

مقاصد سورة انعام

(ترجمه)

سورة انعام به صورت یکباره در مکه معظمه بر پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم نازل شده است. از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که فرمود:

«نَزَلَتْ سُورَةُ الْأَنْعَامِ بِمَكَّةَ لَيْلًا جَمْلَةً، حَوْلَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَجَارُونَ حَوْلَهَا بِالتَّسْبِيحِ» (رواه طبرانی)

ترجمه: سورة انعام یکشب در مکه به طور کامل نازل شد و هفتاد هزار فرشته در اطراف آن حلقه زده بودند و با صدای بلند تسبیح می گفتند.

گفته شده که علت نزول یکجایی این سوره آن است که مسائل بنیادین عقیده و اصول دین را به صورت کلی بیان می کند؛ مسائلی که مانند احکام شریعت نیازمند نزول تدریجی بر اساس حوادث و رویدادها نیست.

بنابراین، محور اساسی این سوره عقیده، اقامه حجت ها، برهان ها و دلایل روشن بر حقانیت توحید و رسالت و ردّ افتراءات مشرکان و آشکار ساختن بطلان ادعاهای شان است.

به همین سبب، در این سوره به ابزارهای عقل و اندیشه مانند بینایی، شنوایی و دل ها (افنده) بارها پرداخته شده است. این سوره یک مقایسه زیبا میان مؤمنی که به سبب سلامت قلب و گوش و چشمش حق را می پذیرد و کافری که بر دل و گوش و چشمش پرده زده شده و از پذیرش حق سر باز می زند، ترسیم می کند. این اختلال در گوش و دل و چشم، به معنای خرابی عملکرد طبیعی آنها نیست؛ آنها می شنوند و می بینند، اما فساد در اراده است؛ آنان حق را نمی خواهند، با آن دشمنی می کنند و باطل را می جویند و از آن دفاع می کنند، با وجود آن که حق آشکار و برهان هایش روشن است. در نتیجه، الله سبحانه و تعالی بر دل های شان پرده انداخت و بر گوش های شان سنگینی قرار داد؛ پس نه می شنوند و نه می فهمند و در تاریکی های کفر و شرکی که خود انتخاب کردند، بیشتر فرو رفتند. سپس الله سبحانه و تعالی آنان را در همان راه ضلالت، بیشتر گمراه ساخت. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ ۚ مَنْ يَشَاءِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَنْ يَشَأْ يُجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [الأنعام: ۳۹]

ترجمه: کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، در تاریکی ها کر و گنگ اند. هر که را الله بخواهد گمراه می سازد، و هر که را بخواهد بر راه راست قرار می دهد.

این معنا در سراسر سوره تکرار شده است. از جمله:

﴿إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ ۖ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ [الأنعام: ۳۶]

ترجمه: تنها کسانی دعوت را می پذیرند که می شنوند و مردگان را الله برمی انگیزد، سپس به سوی او بازگردانده می شوند.

قرطبی می نویسد: «منظور از کسانی که می شنوند، شنیدن همراه با توجه، فهم و اراده حق است؛ همان مؤمنانی که از سخن حق بهره می گیرند و به آن عمل می کنند. اما "مردگان"، کسانی اند که هیچ پذیرشی نسبت به حق ندارند و به حجت گوش نمی سپارند». الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۖ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۖ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا...﴾

[الأنعام: 25]

در تفسیر قرطبی آمده است: «مراد از این گروه، مشرکان مکه اند». ما بر دل های شان پرده انداختیم و بر گوش های شان سنگینی قرار دادیم، به عنوان مجازات کفرشان؛ نه این که آنها حقیقتاً نشنوند یا نفهمند، بلکه چون اراده پذیرش حق را

ندارند و به آن تمکین نمی‌کنند، در حکم کسی‌اند که نمی‌شنود و نمی‌فهمد؛ "اَكْتَه" یعنی پوشش‌ها و "وَقَر" یعنی سنگینی و ناشنوایی. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهَ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ ۚ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ﴾ [الأنعام: 46]

ترجمه: بگو: به من خبر دهید اگر الله شنوایی و دیدگان تان را بگیرد و بر دل‌های تان مهر نهد، چه کسی جز الله آن‌ها را به شما باز می‌گرداند؟ بنگر که چگونه آیات را گوناگون بیان می‌کنیم، سپس آنان روی می‌گردانند.

در تفسیر قرطبی آمده است: «مقصود از "أخذ" یعنی برداشتن و سلب کردن نعمت. "خَتَمَ" یعنی مهر زدن. گفته شده مراد، معناها و توانایی‌هایی است که در این اعضا وجود دارد و الله می‌تواند هم اعضا و هم آثارشان را از بین ببرد و چیزی باقی نگذارد. این آیه حجتی است علیه کافران و معنای "أرأيتُم" یعنی: آیا دانستید و فهمیدید؟»

از ابزارهای اندیشه‌ورزی در سوره، بیان وقایع و حوادثی است که انسان باید در آن‌ها بیندیشد و عبرت بگیرد. سوره چندین نمونه از این وقایع را یادآوری می‌کند، از جمله:

در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم، مشرکان قریش با اسلام دشمنی کردند، با جدل، پرسش‌های انکاری، تمسخر و استهزاء به مقابله با عقیده پرداختند. بسیاری از آیات این سوره به‌مناسبت همین برخوردهای مشرکان نازل شده است. این رویدادها برای مؤمنان الگوی اقتداست. باید در آن‌ها تأمل کرد، حکمت‌شان را دریافت و از روش رسول الله صلی الله علیه وسلم در پاسخ‌گفتن به کافران و مشرکان پیروی نمود.

سوره همچنین بخش‌هایی از داستان پیامبران و امت‌های قبلی را یادآوری می‌کند و در این کار نوعی تسلی و دل‌داری برای پیامبر صلی الله علیه وسلم و مؤمنان نهفته است. این سوره یادآور می‌شود که کافران قریش که حق را نپذیرفتند و دعوت، پیامبر و یارانش را به استهزاء گرفتند، رفتار و کردارشان بسان کافران پیشین است؛ آنان نیز پیامبران‌شان را تکذیب و مسخره می‌کردند. این یادآوری برای پیامبر صلی الله علیه وسلم آرامش‌بخش است و تأکید می‌کند که سرنوشت کافران در هر زمان یکی است: هلاکت و سرانجام مؤمنان نیز یکی است: پیروزی و نصرت الهی و این‌که الله سبحانه و تعالی ولی و سرپرست آنان است. چنان‌که می‌فرماید:

﴿وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ ۚ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ [الأنعام: ۴۸-۴۹]

ترجمه: ما پیامبران را جز مژده‌دهنده و بیم‌دهنده نمی‌فرستیم. هر که ایمان آورد و درست‌کار شد، نه بیمی بر اوست و نه اندوه‌گین می‌شود، و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به‌سبب نافرمانی‌شان عذاب به آنان می‌رسد.

و نیز می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولًا مِنْ قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ آتَاهُمْ نَصْرُنَا...﴾ [الأنعام: ۳]

ترجمه: پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، ولی بر تکذیب و آزار صبر کردند تا این‌که یاری ما به آنان رسید...

از نمونه‌های دیگر تفکر در این سوره، اشاره به آیات کونی است: آفرینش انسان، مرگ و زندگی، شب و روز، ستارگان و سایر شگفتی‌های خلقت.

این همه نشانه‌های عظمت الله سبحانه و تعالی است. چگونه ممکن است کسی در برابر این نشانه‌ها بیندیشد اما به خالق‌شان ایمان نیلورد؟ در این نیز درسی است که الله سبحانه و تعالی وقتی آسمان و زمین را با نظم دقیق اداره می‌کند، توان نابودکردن کافران سرکش را نیز دارد؛ همان کسانی که از ایمان روی‌گردان شده و از عبادت و تسلیم‌بودن در برابر پروردگارشان سر باز می‌زنند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلَكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾

[الأنعام: ۳۸]

ترجمه: (یکی از دلائل قوی قدرت الله و حکمت و رحمتش این است که او همه چیز را آفریده است) و هیچ جنبه‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند وجود ندارد مگر این که گروه‌هایی همچون شما (و هر يك دارای خصائص و ممیزات و نظام حیات خاص خود می‌باشند). در کتاب (کائنات) هیچ چیز را فروگذار نکرده‌ایم (و همه چیز را ضبط و به همه چیز پرداخته‌ایم. بگذار تکذیب‌کنندگان هرچه می‌خواهند بکنند) پس (از گذشت این چند روزه زندگی دنیوی) آنان (همراه همه گروه‌ها و دسته‌های حیوانات موجود) در پیشگاه پروردگارشان جمع‌آورده می‌شوند (و به حساب و کتاب و کتاب‌شان می‌رسیم).

و می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكَمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ * فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ * وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [الأنعام: 95-98]

ترجمه: این الله است که دانه و هسته را می‌شکافد (و گیاه و درخت از آن‌ها می‌رویند. اوست که) زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد (از قبیل آفریدن انسان از خاک، و تولید شیر از حیوان). این (چنین قادر توانائی) پروردگار شما است. پس چگونه (پس از این بیان، از حق) منحرف می‌شوید؟ او است که صبح (سیمین را از شب قیرین) پدیدار ساخته است (تا زندگان برای کسب معاش به تلاش ایستند) و شب را مایه آرامش (و آسایش جسم و جان)، و خورشید و ماه را وسیله حساب (مردمان در امور روزمره عبادی و تجاری خود) کرده است. این (نظم بدیع و نظام استوار) سنجش دقیق و تدبیر محکم (دادار متعالی است که) چیره (بر جهان و) آگاه (از همه چیز آن) است. او آن کسی است که ستارگان را برای شما آفریده است تا (در شب‌های سفر) در تاریکی‌های خشکی و دریا بدان‌ها راهنمود شوید. ما آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی خود) را برای کسانی بیان داشته‌ایم که (معانی آیات قرآنی و نشانه‌های جهانی را) می‌دانند.

در نتیجه، این سوره روشن می‌سازد که این آیات و نشانه‌ها برای عبرت، حجت و برهان آمده‌اند؛ اما تنها برای کسانی که می‌فهمند و می‌اندیشند. این سوره همچنین به شیوهٔ مناظره با مشرکان و کافران اشاره می‌کند؛ با استفاده از عقل، استدلال فکری و روبه‌روکردن حق و باطل. نمونهٔ بزرگ آن در سیرهٔ ابراهیم علیه السلام است، آنگاه که به پدرش آزر گفت:

﴿أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً؟ إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الأنعام: ۲۴]

ترجمه: آیا بت‌ها را معبودانی می‌گیری؟ من تو و قومت را در گمراهی آشکار می‌بینم.

در مناظره با قومش و اثبات این که پرستش معبودان شان از قبیل، سیاره‌ها و ستارگان به جز الله سبحانه و تعالی گمراهی آشکاری بیش نبوده و تنها کسی که مستحق پرستش است تنها الله سبحانه و تعالی است؛ همان کسی که خالق جهانیان است، الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾ [الأنعام: ۸۰]

ترجمه: آیا دربارهٔ الله با من مجادله می‌کنید درحالی که او مرا هدایت کرده است؟ من از چیزی که شریک او می‌سازید، نمی‌ترسم مگر آنچه پروردگارم بخواهد. پروردگارم دانشی فراگیر دارد، آیا متذکر نمی‌شوید؟

سورهٔ انعام با حمد و ستایش الله سبحانه و تعالی آغاز می‌شود و این حمد همراه با آیاتی از آفرینش و تدبیر الهی ذکر شده است تا روشن سازد که تنها الله سبحانه و تعالی شایستهٔ عبادت و سپاس است. اما کافران با وجود این آیات روشن، از حق روی‌گردان می‌شوند و برای الله شریکانی قائل می‌گردند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ۚ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾ (۱) هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا ۚ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ۚ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ﴾ [الأنعام: ۱-۲]

ترجمه: ستایش برای الله است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و نور را پدید آورد، سپس کسانی که کفر ورزیدند برای پروردگارشان شریک می‌سازند. اوست که شما را از گل آفرید، سپس مدتی برای شما مقرر کرد و مدتی تعیین شده نزد اوست؛ باز (با این وجود) شما شک می‌کنید.

این سوره با آیات عظیمی پایان می‌یابد که نشان‌دهنده قدرت، عظمت، رحمت و تدبیر الهی و نیز بیان‌کننده سرنوشت مؤمنان و کافران است.

الله سبحانه و تعالی ربّ هر چیز و خالق هر چیز است. او انسان را در دنیا آفرید تا ابتلاش کند و مقرر ساخت که زندگی، مرگ، نماز، قربانی و تمام وجود انسان باید تنها برای الله سبحانه و تعالی باشد. بازگشت همه انسان‌ها بهسوی اوست و او نتایج اعمال‌شان را بر آنان آشکار خواهد کرد. الله سبحانه و تعالی انسان را در زمین خلیفه قرار داد و تمام ابزارها و امکانات لازم را برای درست‌کرداری او فراهم نمود: عقل، قدرت تفکر، اراده و فرستادن پیامبران برای هدایت و ارائه حجت روشن تا خلافت انسان در زمین بر پایه توحید و عبودیت استوار بماند و او تکلیفش را درست ادا کند و تنها پروردگارش را بپرسد و برایش شریک قرار ندهد. چنان‌که می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۶۱) قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۲) لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ (۱۶۳) قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۱۶۴) وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الأنعام: ۱۶۱-۱۶۵]

ترجمه: بگو البتّه پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است؛ دین استوار، آیین ابراهیم حنیف؛ و او از مشرکان نبود. بگو نماز من، قربانی من، زندگی من و مرگ من برای الله، پروردگار جهانیان است؛ شریکی برای او نیست. چنین فرمان یافته‌ام و من نخستین مسلمانم. بگو آیا جز الله پروردگاری بجویم؟ درحالی‌که او پروردگار هر چیز است. هیچ‌کس جز به زیان خود مرتکب (گناهی) نمی‌شود و هیچ‌بار برداری بار دیگری را نمی‌برد. بازگشت شما بهسوی پروردگارتان است، سپس او شما را از آنچه در آن اختلاف داشتید، آگاه می‌سازد. او کسی است که شما را جانشینان زمین قرار داد و درجات بعضی از شما را بر بعضی دیگر بالا برد تا شما را در آنچه بخشیده بیازماید. بهرآستی پروردگار تو زودکیفر است و درعین‌حال بسیار آمرزنده و مهربان است.

نویسنده: استاد ام آدم

مترجم: محمد مزمل